

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

اردیبهشت ۱۳۹۰ مه ۲۰۱۱

شماره ۵۸

toufan@toufan.org www.toufan.org



به مناسبت اول ماه مه

کارگران آورنده بهار بشریت اند ص. ۲



چرا دستمزد کارگران باید ایرانی و قیمت‌ها جهانی باشد؟ ص ۳

کوه موش زائید ص. ۴

باز هم پیرامون حذف یارانه‌ها

دو انحراف چپ و راست در برخورد به جنبش کارگری ص. ۶

سرکوب خونین جنبش دمکراتیک بحرین و ریاکاری غرب ص. ۷



اعتصاب ۱۱ روزه ۱۵۰۰ کارگر مجتمع

پتروشیمی با موفقیت به پایان رسید ص. ۸

از خواست بر حق کارگران شرکت‌های پیمانکاری

منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر حمایت می‌کنیم ص. ۹

اطلاعیه حزب کار ایران (توفان) در مورد حمله به اردوگاه اشرف در عراق

حمله وحشیانه به اردوگاه اشرف در عراق را محکوم می‌کنیم! ص. ۱۱

کشتار مردم فلسطین در غزه ادامه دارد ص. ۱۱

نامه‌ای از هیئت تحریریه "ستاره خلق"، ارگان مرکزی حزب کمونیست ژاپن (چپ)

گزارشی در مورد حوادث تلخ اخیر ص. ۱۲

به مناسبت اول ماه مه کارگران آورنده بهار بشریت‌اند

۱۲۲ سال پیش کارگران کلیه کشورهای تصمصیم گرفتند که همه ساله این روز را، روز اول ماه مه را جشن بگیرند. این تصمصیم در ۱۸۸۹ در کنگره سوسیالیست‌های کلیه کشورهای در پاریس اتخاذ شد. در چنین روزی، در روز اول ماه مه که طبیعت از خواب زمستانی برمی‌خیزد، کوه و جنگل سر سبز می‌شود، مرغزار و چمن به گل می‌نشینند، آفتاب گرمی بیشتر می‌بخشد، نشاط نو جوانی در فضا حس می‌شود، طبیعت جان می‌گیرد و شادابی می‌یابد.

درست در چنین روزی آنها تصمصیم گرفتند آشکارا و با بانگ رسا به سراسر گیتی اعلام دارند که کارگران آورنده بهار بشریت‌اند، گسلنده زنجیر سرمایه‌داری‌اند، رسالت دارند که جهان نوین بر بنیاد آزادی و سوسیالیسم بر پا کنند.

اول ماه مه روز اتحاد و همبستگی کارگران در شرایطی فرا می‌رسد که رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی همچنان به حقوق کارگران و عموم زحمتکشان، به جنبش رو به رشد کارگری، به مطالبات نان، کار، آزادی و امنیت شغلی تعرض می‌کند و در مقابل جنبش مردم ایران خود را ضعیف می‌بیند. رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی با اجرای طرح حذف یارانه‌ها در هیئت "هدفمند کردن یارانه‌ها" که با تشویق صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی انجام می‌گیرد باز هم بر فقر و گرانی و شکاف طبقاتی خواهد افزود و هیچ‌امیدی به بهبودی وضعیت معیشتی کارگران نمی‌رود. شورایی عالی کار که در عمل نماینده دولت و کارفرمایان است حداقل دستمزد کارگران در سال جدید را ۳۳۰ هزار و ۳۰۰ تومان تعیین نموده است، دستمزدی کمتر از ۲۰ درصد خط فقر مطلق با تصویب ۹ درصدی افزایش دستمزد، سفره کارگران در سال ۹۰ تهی‌تر از سال جاریست. در حالی که حداقل دستمزد کارگران با توجه به رشد سرسام آور تورم و گرانی افسارگسیخته نباید کمتر از یک و نیم میلیون تومان باشد.

امسال در شرایطی به استقبال روز جهانی کارگر می‌رویم که جنبش جوان کارگری ایران با الهام از بهار انقلاب تونس و مصر که با پرچم نان و آزادی رژیم‌های ضد کارگری، فاسد و استبدادی را مورد یورش خود قرار داد، برای تحقق مطالبات سیاسی و معیشتی خود با استفاده از هر فرصت و روزنه‌ای به رژیم سرمایه‌داری اسلامی تعرض کرده و همین روحیه مقاومت و ایستادگی است که حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی را به وحشت و سراسیمگی واداشت و وی را به شدت از آینده خود بیمناک کرده است. دستگیری‌های خودسرانه و سرکوب فعالین و رهبران اتحادیه‌های کارگری به شدت ادامه دارد و علیرغم این اما کارگران ایران هرگز از پای ننشسته‌اند و مبارزه علیه خصوصی‌سازی، اخراج دسته جمعی و برای دریافت حقوق معوقه و اضافه دستمزد و برای تشکیل سندیکای مستقل و حذف طرح هدفمند کردن یارانه‌ها دامن وسیع تری یافته است. اعتصابات شجاعانه کارگران ایران در بسیاری از کارخانه‌های کشور نظیر ایران خودرو، پتروشیمی، مخابرات و دهها کارخانه دیگر همه نشان از این است که جمهوری اسلامی علیرغم سرکوبگری‌ها و توطئه علیه کارگران موفق نگشته به اهداف شوم خود و ساکت کردن صدای اعتراض کارگران دست یابد.

اکنون در شرایطی اول ماه مه فرا می‌رسد که امپریالیست‌ها برای پیشگیری از تعمیق و گسترش انقلاب خلق‌های عرب و با توسل به رأی ارتجاعی شورای امنیت سازمان ملل و در پوشش حفاظت از جان مردم به کشور لیبی تجاوز کرده و آهنگ آن دارند با مستعمره کردن آن، مستقیماً کنترل تولید نفت و منابع طبیعی این کشور را در چنگ خود گیرند. از این رو در روز اول ماه مه امسال خلق‌های جهان و در رأس آن پرولتاریا باید با بانگ رسا تجاوز به لیبی را محکوم کنند و خواهان متوقف شدن بمباران این کشور گردند. خروج فوری و بی قید و شرط ارتش متجاوز عربستان از بحرین و خروج فوری و بی قید و شرط متجاوزین امپریالیست از خاک افغانستان و عراق و بر افراشتن پرچم دفاع از خلق در بند فلسطین و تاکید بر تحریم همه جانبه رژیم متجاوز و صهیونیستی اسرائیل و وظیفه انترناسیونالیستی همه کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی در سراسر جهان است.

حزب کار ایران (توفان) به کارگران قهرمان ایران و جهان، اول ماه مه روز جهانی کارگر را شاد باش می‌گوید و ایقان دارد که پیروزی اردوی کار بر سرمایه تنها از طریق وحدت و تشکیلات و رهبری حزب سیاسی و تنها از طریق انقلاب سوسیالیستی و راهی که لنینیسم نشان می‌دهد میسر خواهد گشت.

فرخنده باد اول ماه مه!

زنده باد انقلاب خلق‌های عرب علیه ارتجاع و امپریالیسم!

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی!

زنده باد سوسیالیسم این پرچم نجات بشریت!

حزب کار ایران (توفان)

اردیبهشت ۱۳۹۰

www.toufan.org

toufan@toufan.org

فرخنده باد اول ماه مه!

چرا دستمزد کارگران باید ایرانی و قیمت‌ها جهانی باشد؟

بعد از اجرای طرح هدفمند شدن یارانه‌ها سنوالبزرگ همه کارگران و زحمتکشان و حقوق‌بگیران ایران این است که با کدام منطقی قابل پذیرش است که قیمت کالاها جهانی باشد و دستمزد کارگران ایران یک پنجم تا یک دهم کارگران و حقوق‌بگیران کشورهای اروپایی و آمریکایی؟

عبدالرضا شیخ‌الاسلامی وزیر کار در پنجشنبه ۲۱ بهمن ماه ۸۹ (به منظور این که کارگران را به مرگ بگیرد تا به تب راضی شوند) می‌گوید: «به واسطه جلوگیری از افزایش تورم و قیمت‌ها، بعید است حقوق و دستمزد کارگران در سال آینده بالا رود» او اضافه می‌کند: «با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها، قشر کارگری کشور دارای منفعت بیشتر نسبت به سایر اقشار جامعه شده‌اند. تورم در کشور مهار شده و افزایش قیمت نداشته‌ایم ولی در صورت افزایش حقوق کارگران، احتمال افزایش تورم دور از انتظار نیست و سبب مشکلاتی برای جامعه کارگری می‌شود»

شمس‌الدین حسینی وزیر اقتصاد نیز در این مورد بر قطع رابطه دستمزد و تورم و توافق کارگر و کارفرما بر سر تعیین دستمزد اصرار می‌ورزد.

بالاخره شورای عالی کار، در شرایط عدم حضور نمایندگان تشکلهای مستقل کارگری، حداقل دستمزد کارگران را برای سال ۱۳۹۰ با ۹ درصد افزایش نسبت به سال قبل ۳۳۰ هزار و ۳۰۰ تومان تعیین کرد.

تعیین حداقل دستمزد حتی طبق قوانین موجود باید به گونه‌ای باشد که زندگی یک خانواده چهار نفره را تأمین کند و متناسب با درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی اعلام می‌شود هر ساله افزایش یابد. طبق گزارش رسمی بانک مرکزی در تاریخ ۹ فروردین ۱۳۹۰ نرخ تورم در سال ۱۳۸۹، ۱۲٫۴ درصد بوده است و به قول علی دهقان کیا عضو هیئت مدیره کانون شوراهای اسلامی: «هم اکنون در بخش سبد هزینه‌های خانوار (حداقل کالری برای یک خانواده چهار نفره، هزینه مسکن، پوشاک، بهداشت و درمان و آموزش و ایاب و ذهاب) با رشد ۳۳ درصدی آن نسبت به سال گذشته مواجه هستیم ولی این موضوع در زمان تعیین حداقل دستمزد سال جاری در نظر گرفته نشد در صورتی که ماده ۴۱ قانون کار بر این موضوع تأکید دارد. «نکته دیگر قابل توجه این که در تعیین حداقل دستمزدها در سال آینده همواره تورم سال گذشته ملاک عمل قرار می‌گیرد و نه تورم سال آینده با این حال به دروغ ادعا می‌شود که افزایش سطح دستمزدها باعث افزایش تورم در سال آینده خواهد شد.»

چنانچه ملاحظه می‌شود حتی اگر مطابق قوانین موجود هم محاسبه کنیم حداقل دستمزد مطابق خط فقر رسمی اعلام شده سال قبل که ۸۵۰ هزار تومان بود به علاوه ۱۲٫۴ درصد تورم اعلام شده در سال قبل به علاوه ۳۳ درصد رشد هزینه خانوار در سال جاری بیش از یک میلیون و دویست هزار تومان می‌شود.

و اما در رابطه با اظهارات وزیر کار و وزیر اقتصاد و داری و کارشناسان اقتصادی دولت که مدعی هستند بالا رفتن دستمزدها باعث افزایش تورم می‌شود، همچنان که در گذشته نیز گفتیم، ببینیم، آیا چنین اظهاراتی مبنائی واقعی دارد یا صرفاً فریبی است در جهت تشدید استثمار و غارت نیروی کار؟

طی پنجساله ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۵ حداقل حقوق کارگران ثابت ماند ولی تورم طی این پنج سال به میزان ۹۰٫۷ درصد افزایش می‌یابد و یا طی ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ میزان حداقل دستمزد کارگران ثابت می‌ماند ولی تورم طی این دو سال ۴۶٫۳ درصد افزایش می‌یابد. بنابراین می‌بینیم دلیل واقعی و اصلی تورم نمی‌تواند افزایش دستمزدها باشد بلکه دلیل اصلی آن در استثمار وحشیانه نیروی کار ارزان، دلالتی و قاچاق و غارت اموال عمومی و بورس بازی و رانت خواری و زمین خواری و فروش سهمیه دولتی و حق انحصاری آیات عظام و علمای اعلام و آقازاده‌هایشان و چاپ بدون پشتوانه اسکناس و غیره است به صورتی که در طی سه ساله گذشته میانگین رشد اقتصادی ایران ۰٫۷ درصد بوده حجم نقدینگی مطابق آمار رسمی طی پنج سال گذشته بیش از چهار برابر شده است.

طی پنج ساله اخیر میزان افزایش دستمزد کارگران ۹۰ درصد و میزان افزایش متوسط سود سرمایه‌داران ۴۰۰ درصد بوده است. بنابراین میزان افزایش دستمزد نه تنها از سود سرمایه‌داران نکاسته بلکه نیروی کار ارزان سودهای بی نظیری را در مقیاس جهانی به جیب کلان سرمایه‌داران ایران سرازیر کرده است.

وضعیت اسفناک تحمیل فقر مطلق به کارگران را تنها با بررسی میزان حداقل دستمزدها و یک چهارم خط فقر بودن آن نمی‌توان درک کرد مگر این که توجه داشته باشیم که بخش اعظم طبقه کارگر ۸ میلیونی ایران اساساً مشمول هیچگونه قانون و مقررات و ضوابطی نیستند و در اکثر موارد دستمزدی کمتر از حداقل تعیین شده دریافت می‌کنند. کودکان کارگران و کارگران فصلی، کارگران مهاجر، کارگران بخش کشاورزی و دامداری و حتی بسیاری از تحصیل کردگان متخصص دانشگاهی که از سر اجبار بیکاری مجبور به انجام کارهای ساده هستند از این جمله‌اند.

سرمایه‌داران بخش‌های متوسط و پائینی صنعتی که به علت سیاست‌های مخرب اقتصادی نئولیبرالیستی و از جمله حذف گمرک و یارانه‌ها قادر به رقابت در مقابل کالاهای وارداتی نیستند، ترجیح می‌دهند سرمایه‌های خود را به بخش‌های دلالتی و مالی و زمین خواری که سودهای بیشتر و بی درد سرتری دارد منتقل کنند و به این ترتیب در سال جاری نیز با گسترش بیکاری روبرو خواهیم بود. فقر مطلق، اخراج و بیکارسازی گسترده کارگران، عدم پرداخت به موقع دستمزدها، تحمیل قراردادهای موقت و سفید امضاء، حاکم کردن شرکت‌های پیمانکاری بر سرنوشت کارگران، سرکوب تشکلهای و اعتراضات کارگری و بازداشت و شکنجه و زندانی کردن آنها ادامه دارد و هر ساله بر عمق و دامنه آن افزوده می‌شود.

تنها راه برون رفت از این معضل اتحاد و همبستگی و سازماندهی مبارزه‌ای مشترک و سراسری علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامیست. شرط پیروزی طبقه کارگر در هر عرصه از مبارزه وحدت و تشکیلات است.

کوه موش زانید

(پارانه هدفمند = تنزل ارزش کار)

قرار بود که آقای خمینی و شرکاء، با برپائی حکومت موروئی اشرافیت دوازده امامی در ایران - دولت «مستضعفین»! تمام آثار آشکار و نهان استبداد حرام سلطنتی را پاک کنند. همه نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی و... را برطرف نمایند. مناسبات طاغوتی را بکلی براندازند. برای همیشه ریشه بیکاری، فقر و تنگدستی و خانه بدوشی را بخشکانند. نوعی «اقتصاد اسلامی»! به وجود آورند - با توسل به وحی و قسم و آیه و... ایران را آزاد و آباد و شکوفان کنند، به عرش اعلا برسانند، مدلی بی مانند برای حکمرانی جهانی مستضعفین به دست دهند. حتی وعده نوعی خدمات همگانی - آموزش و بهداشت و درمان و ایاب و ذهاب و نفت و... رایگان میدادند. از این مهملات، اراجیف خررنگ کن.

شواهدی هست مبنی بر این که بازی شرعی حضرات، اسلام ساختگی، کلاشان وطنی نگرفت. استبداد و اختناق، غلیظ تر و گسترده تر شد. هنوز اندیشیدن، نظر و نظریه پردازی مجوز می خواهد. تفتیش عقاید جاری است. تهدید و ترور، آدم ربائی در ملاء عام، قتل و کشتار مخالفین واقعی یا واهی، زندان و شکنجه و اعدام پا برجاست. کارگران و کارمندان، معلمان، محصلان و جوانان و زنان و... به دلیل اعتراض، طرح مطالبات صنفی و حقوقی خود سرکوب می شوند. مطبوعات مستقل از دولت وجود ندارد. تجمع، تشکیل انجمنهای فرهنگی و هنری مجاز نیست. فعالیت سندیکائی و حزبی و... جرم دارد. نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی و... بیشتر شده است. بیکاری، فقر و تنگدستی و خانه بدوشی در ایران اسلامی بیداد می کند.

بیش از سی سال است که باند خمینی با اعتقادات مذهبی هموطنان «مسلمان» ما می لاسد، دم به ساعت، اوهم بخورد مردم می دهد. اشرافیت دوازده امامی، همه امور کشور، مدیریت تمام کارهای اقتصادی و اجتماعی و... را در دست دارد. از سیر تا پیاز، در مورد همه چیز، لاهوتی و ناسوتی، حتی در مورد بود و نبود هر شهروند، مذهبی و غیر مذهبی و لامذهب، تصمیم می گیرد. هیچ حقی برای مردم، برای نیروی کار قائل نیست. اصلاً به کسی حساب پس نمی دهد. به عنوان متولی نوعی «اسلام ساختگی»! حاصل کار دیروز و دسترنج امروز مردم ایران را بالا می کشد. بر تمام داده‌های طبیعی، امکانات اقتصادی و اجتماعی، بر دارائی ملی ما سوار است. به نام «خدای یکتا»! مردم را می چاید. به نام «شریعت نبوی»! کارگران را می دوشد و... جیب آقایان و آقا زاده‌های وطنی را پر می کند. ابهام در کجاست؟

انقلاب همگانی بهمین، مثل همه انقلابات اجتماعی، ریشه در روابط تولیدی جامعه، مناسبات اقتصادی و اجتماعی مسلط و متداول در کشور ما داشت. سرمایه‌داری «مدرن»! زیر سایه سنگین استعمار و در لوی استبداد حرام سلطنتی - نوع فرمایشی «اقتصاد ملی»! یعنی تولید و توزیع و مبادله بر اساس نیاز فوری انحصارات، منافع استراتژیک کارتل‌های مالی و صنعتی، سلاطین بورس و تسلیحات و مستغلات، خاصه غربی و بیشتر آمریکائی - در مسیر تقسیم کار امپریالیستی. دیدیم که این نوع فرمایشی «اقتصاد ملی»! متکی بر استبداد و اختناق، به کلی بیگانه با احتیاجات مصرفی مردم، با نیازهای مادی و معنوی نیروی کار در سطح ملی، به بن بست رسید. رفته رفته باز آفرینی استبداد حرام سلطنتی مختل شد. دیوار اختناق ترک خورد. دیوان رضاخان با مطالبات سرکوب شده مردم، با یک جنبش نسبتاً نیرومند اجتماعی، ضد استبدادی و ضد استعماری روبرو شد و دست پای خود را گم کرد. دربار پهلوی از کار افتاد، در جنگی تن به تن با مردم ایران از پا درآمد. تا این حد، به نظر من انقلاب همگانی بهمین کاملاً موفق بود. انکار این رویداد تاریخی به قدری احمقانه است که هیچ عقل سلیمی آن را جدی نمی گیرد.

جعلیات اسلام فروشان وطنی در باره خصلت «غیر» تاریخی انقلاب همگانی بهمین، پیشکش هواداران. شواهدی هست مبنی بر این که حکومت وحی و قسم و آیه - موسوم به «جمهوری اسلامی ایران»! در بستر مالکیت خصوصی، تقسیم کار امپریالیستی و شیوه سرمایه‌داری تولید رقم خورد. رژیم بورژوا - آخوندی ایران، با مصادره انقلاب بهمین به سود مالکان و اربابان و سرمایه‌داران پشت پرده شکل گرفت. استبداد حلال شرعی از فلان جای استبداد حرام سلطنتی فرو افتاد. دوران استقرار سیاسی این حکومت «لاهوئی»! همان تسلط صوری اسلام فروشان وطنی بر نیروی کار اجتماعی - به دلیل شور و حال انقلابی مردم، مقاومت نیروهای مترقی و کمونیست، مبارزه کارگران در صنایع نفت، ذوب آهن و کفش ملی و مزدا و... از سوئی و لشگرکشی و تجاوز بعثی - امپریالیستی به ایران به طریق اولی، دهسالی به درازا کشید. تا این که به مرحله باز آفرینی خود رسید. حال باید برای تسلط واقعی خویش بر جامعه، بر نیروی کار اجتماعی، راهی پیدا می کرد. فقط یک راه داشت - بازگشت به دوران پیش از انقلاب. پس می بایست ساختار استبداد کهن را از گزند انقلاب دور می کرد، اقتصاد متداول را به کار می گرفت تا هزینه‌های جاری خود را تأمین کند. ترکیب اولیه حکومت اشرافیت دوازده امامی - روحانی و بازاری، مالک و ارباب و سرمایه‌دار، صاحبکار خرد و متوسط، دلال و کارچاق کن و بساز و فروش و... حکایت از لزوم احیای مناسبات اقتصادی و اجتماعی دوران کهن داشت.

حضرات زور می زنند، گاهی با اصلاحات فرمایشی و زمانی هم با جنجال نمایشی، تا دول امپریالیستی ریز و درشت، خاصه امپریالیسم آمریکا و شرکاء را راضی کنند که رژیم اسلامی را به رسمیت بشناسند، جلوی تکرار قراردادهای دوران کهن را نگرفته و بگذارند که رژیم اسلامی هم در زد و بندهای بین‌المللی شرکت داشته باشد. راهکاری استراتژیک، فصل مشترک اصول گرایان و اصلاح طلبان جهت مهار نیروی کار، استمرار مالکیت خصوصی و شیوه سرمایه‌داری تولید در جغرافیای سیاسی ایران - امروز در دستور کار دولت آقای احمدی نژاد.

می گویند که اجرای طرح «پارانه هدفمند»! عوارض محتمل این ماجراجویی جهت دار دولت آقای احمدی نژاد - تورم و رکود اقتصادی و... «اکثریت مردم، چه طبقه بالائی و متوسط و چه طبقه کارگر و فرودست» را نگران کرده - نوعی نگرانی همگانی و ناشی از «گمان زنی‌های بد بینانه»! هشدارهای «اغراق آمیز، جبهه گیری‌های سیاسی چپ و راست»! «جل‌الخالق! یعنی تبلیغات» گمراه کننده مغرضان»! برخوردارهای «خصمانه و متحد چپ و راست»! نمی گذارد که دولت آقای احمدی نژاد کارش را تمام کند - با اجرای نوعی «سیاست‌های مالی حساب شده و انبساطی»! جلوی بروز فاجعه را بگیرد و... این هم نظری است - نوعی «ارزیابی واقعی»! که سر و ته ندارد. چیزی را توضیح نمی دهد. خیلی «حق به جانب»! همه علت و معلول‌ها را وارونه جلوه داده و دریافت‌های رسمی از رویدادهای دور و نزدیک، از مسائل اقتصادی و اجتماعی را منعکس می کند. از شما چه پنهان که من نسبت به این مهمات چپ اندر قیچی، ارزیابی گل و گشاد... به شدت سوء ظن دارم. کدام «نگرانی همگانی»؟! البته، ما منکر «غم» بالائی‌ها برای سود حداکثر و «غصه» متوسطها برای چاپیدن مردم نیستیم. بهیچوجه - ما بارگه دادیم. ولی این «غم و غصه» قابل فهم، با نگرانی مستمر کارگران برای اشتغال و مزد و آموزش، اضطراب دائم فرودستان بخاطر خورد و خوراک و پوشاک و مسکن و... کلی فرق دارد - اصلاً ناشی از گمان زنی‌های «بد بینانه» یا «خوش بینانه» این و آن نیست. باید دید که این حقیقت «تلخ»! از کجا آب می خورد؟ بازتاب کدام مناسبات اقتصادی و اجتماعی است؟

به گور پدر آقای احمدی نژاد و شرکاء، خایه مالان نوبتی بیت ولایت - حکومت «مستضعفین»! سخن برسر تعرض سرمایه، کار مرده و متراکم در قبال کار زنده و متفکر، هجوم سراسری رژیم بورژوا - آخوندی ایران علیه کارگران و بینوایان کشور ماست. به نظر ما، بازی مضحک «پارانه هدفمند»! شگردهای بالائی‌ها، گروه‌های انگل - مالکان و اربابان و سرمایه‌داران پشت پرده در شرایط اضطراری امروز است. این سیاست تروریستی تمام عیار - به عدم تحرک اقتصاد رقابتی در بستر مالکیت خصوصی، تقسیم کار امپریالیستی و شیوه سرمایه‌داری تولید بازمی گردد. حکایت از کاهش نرخ سود و نرخ انباشت سرمایه در دوران معاصر دارد. تنزل هرچه بیشتر ارزش کار در سطح ملی، هماهنگی نیروی کار با الزامات عاجل سرمایه خودی و غیر خودی را دنبال می کند.

با این حساب، مردم ایران نباید «حرص بزنند»! بر شیطان لعنت - گوشت و مرغ و ماهی، مرکبات و حبوبات و سبزیجات، برنج و روغن و... بخورند. کارگران نباید طالب خوراک مطبوع، پوشاک شایسته، مسکن مناسب، رختخواب راحت، وقت فراغت، آسایش و رفاه، بهداشت و آموزش و فرهنگ، ورزش و تفریح و... باشند. حتی نباید خواهان دستمزد بیشتر به تناسب افزایش قیمت‌ها و نرخ تورم گردند. حق اعتراض و اعتصاب، حق تشکیل سندیکای مستقل، مبارزه اجتماعی برای طرح مطالبات حرفه‌ای در بستر مناسبات متداول، در چارچوب قوانین جاری، توافقات بین‌المللی و... اینها همه به کلی «زائد»! خرج «اضافی»! برای بورژوازی است. نرخ سود و نرخ انباشت سرمایه را کاهش می دهد.

دیری است که سرمایه‌داری، با هر پیشوند و پسوندی، گرفتار یک بحران ساختاری است. ظرفیت جذب نیروی آماده کار را ندارد. نمی تواند اشتغال ایجاد کند، تولید را به تناسب نیازهای مصرفی جامعه سازمان دهد. حتی قادر نیست مبادله کار و سرمایه برای ایجاد اضافه ارزش را تضمین کند. بورژوازی دوران غم انگیز احتضار را می گذراند، در مسیر تباهی تمدن بشری پیش می رود. قرائن نشان می دهد که مکانیسم «تولید برای فروش» از اعتبار افتاده، با خود در تناقضی آشکار قرار گرفته است. حق مالکیت خصوصی بر وسائل تولید، تسلط گروه‌های طفیلی، طبقات انگل بر همه امکانات طبیعی، اقتصادی و اجتماعی، بر کشفیات و اختراعات و... بر ابزار کار، بر انواع محصولات مصرفی، دیگر با خصلت اجتماعی تولید سازگار نیست. جلوی رشد نیروی مولد به تناسب نیازهای مادی و معنوی جامعه را گرفته، بازآفرینی زیست جمعی انسان‌ها را اجازه نمی دهد.

رونوشت برابر اصل است. از قرار معلوم بازآفرینی استبداد دوازده امامی مختل شده است. بیخود نیست که مثل سگ هار به این در و آن در می زند - در تعقیب دشمنان مرموز «اسلام»! حتی پاچه خودی‌ها را هم گاز می گیرد. ولایت فقیه - آویزان به «بیضه غیبی اسلام»! با تناقضات آشکار ناسوتی، انواع دردهای اقتصادی و اجتماعی روبروست. برآن است که این تناقضات ناسوتی، دردهای اقتصادی و اجتماعی و... را با مالیدن بیضه عینی کارفرمایان، سرمایه‌داران خودی و غیر خودی، برطرف کند. اجرای این وظیفه «مقدس»! سعادت است که نصیب آقای دکتر احمدی نژاد شد - که خوب مار می کشد. چطور؟ چون گویا او با تزریق نقدینه، افزایش حجم مطلق پول در گردش «حقوق کارگران شاغل در شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و اداری و کشوری و لشگری را به شدت افزایش داد... حقوق بازنشستگان، کارگران موقت و قراردادی... قدرت خرید، سطح زندگی کارگران را بالا برد...»! کلاه گشادی به سر ساده لوحان وطنی گذاشت، به این و آن صدقه داد و... تا مانع اتفاق ناراضیان در سطح ملی گردد. جلوی پیشرفت گام به گام، گسترش مبارزه اجتماعی کارگران و کارمندان و معلمان و... کشور برای اضافه دستمزد را بگیرد و گرفت.

ظاهرأ، دعوی فرسایشی مدیران نوبتی بیت ولایت، لشکر مداحان اقتصاد عامیانه - جدال کتبی و شفاهی جنابان: دکتر سریع‌القلم، دکتر زنوزی، دکتر صمصامی، دکتر صمیمی، دکتر جهانگرد، دکتر درخشان، دکتر مسعود نیلی و شرکاء و... اصولگرایان و اصلاح طلبان وطنی بر سر چگونگی بسط مالکیت و کسب و کار خصوصی، اشاعه نوعی رقابت تمام عیار، اولویت رشد اقتصادی، توزیع درآمد، اندازه بهینه دولت و بیماری هلندی و... مطلوب رژیم اسلامی را به دست داد. پس بیخود نیست که باز استبداد دوازده امامی به سود مالکان و اربابان و سرمایه‌داران پشت پرده، بومی و بین‌المللی، پوست انداخت. حکومت «وحی و قسم و آیه»! به سمت الزامات سرمایه در دوران معاصر خرغلند زد - با علم کردن نوعی «پارانه هدفمند»! بیش از پیش زندگی بخور و نمیر مردم، خورد و خوراک روزانه کارگران و بینوایان را نشانه گرفت تا تسلط خود در سرزمین پایگاه را به رخ بکشد، محافل مالی و امپریالیستی، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و... را قانع کند که در ایران اسلامی امنیت دارند، در لوای استبداد شرعی خرج خیلی کم و سود بسیار زیاد است.

خودمانیم، اصلاً این پارانه چیست؟ به چه چیز عینی و مادی اشاره دارد؟ ما از این اصطلاح غلط انداز - «پارانه»! فقط کار مرده و متراکم، همان «ارزش» را ادراک می کنیم. ارزش، جنسی یا نقدی، یعنی به صورت کالای مصرفی یا در قالب پول، یک مقوله اقتصادی است که در فرآیند تولید رقم می خورد - حاصل تلاش مستمر نیروی کار زنده و متفکر در گذشته و حال است. با این حساب،

این دولت نیست که به کارگران و بینوایان یارانه می دهد. برعکس، این بورژوازی است، مکتبی و غیر مکتبی، که از قبل کار غیر، ارتزاق می کند، به یاری اهرم قدرت سیاسی مردم را می چابد، محصول کار اجتماعی را مصادره کرده و به زور از کارگران یارانه می گیرد.

به مناسبت اول ماه مه

دو انحراف چپ و راست در برخورد به جنبش کارگری

« طی دهه اخیر علیرغم همه بگیر و ببندها و ترفندهای سرکوبگرانه و ضد کارگری جمهوری اسلامی هزاران حرکت اعتصابی و اعتراضی با شرکت صدها هزار کارگر در نقاط مختلف کشور، حول خواست‌های گوناگون، به صورت خود جوش و یا با سازماندهی بطئی انجام شد. از جمله این خواست‌ها، اعتراض به اخراج‌های دسته جمعی، اعتراض به قراردادهای موقت و عدم استخدام رسمی، اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق و دستمزد و مزایا، اعتراض به خصوصی سازی‌ها، اعتراض به تغییر قانون کار در جهت حفظ سرمایه و از بین بردن امنیت شغلی کارگران، اعتراض به عدم پرداخت حق سنوات کارگران بازنشسته به طور کامل و تعیین سقف پرداختی برای آن توسط دولت، اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، اعتراض به اضافه کاری اجباری، اعتراض به عملکرد مأمورین امنیتی حراست کارخانه‌ها و مراکز صنعتی، اعتراض به پرونده سازی برای نمایندگان و فعالین کارگری و احکام زندان و شلاق برای آنها بود.

مشخصه این جنبش اعتراضی را می توان در تدافعی بودن آن، جوان، تحصیل کرده و در عین حال کم تجربه بودن فعالین، پراکندگی در کلیت خود، خودجوشی و عدم سازمانیافتگی آن دانست.

بسیاری از کارگران در جریان مبارزات اعتراضی خود به ضرورت احیاء و یا ایجاد تشکل مستقل سندیکائی رسیدند و با پذیرش و تحمل همه سختی‌ها و مشکلات به ایجاد آن و یا تجمع‌های مقدماتی آن اقدام نمودند؛ از جمله کارگران قهرمان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، کارگران نیشکر هفت تپه و کارگران نقاش، کارگران برق و فلزکار کرمانشاه موفق به احیاء سندیکائی خود شده و کارگران لاستیک سازی البرز و کارگران ایران خودرو در این راستا اقدام می کنند.

فعالین جنبش سندیکائی در این دوران علاوه بر اقدامات سرکوبگرانه و خرابکارانه و تفرقه افکنانه حاکمیت، با دو برخورد انحرافی اکونومیستی و آنارکوسندیکالیستی از راست و چپ با این جنبش مواجه بودند. منحرفین اکونومیست که با تلاش در جهت محدود کردن فعالیت فعالین کارگری در کادر مبارزه اقتصادی و مخالفت با تلاش‌های آگاه‌گرانه روشنفکران انقلابی و حزب طبقه کارگر در فعالیت‌های سندیکائی تحت عنوان حفظ استقلال سندیکا و یا آزادی طبقه کارگر، کار خود طبقه کارگر است با نفی نقش علمی سوسیالیسم، در عمل تشکلی بی بو و خاصیت و آلت دست سرمایه‌داران را تبلیغ می کردند و از سوی دیگر افراد و جریاناتی که با نقاب ماوراء چپ و سوپر انقلابی با نفی مبارزه سندیکائی و مطرح کردن شورا به عنوان تنها تشکل کارگری، در رویاهای خود قصد انقلاب در واحدهای پراکنده کارگری دارند و قادر به درک این واقعیت نیستند که شوراهای کارگری که محصول شرایط دوران انقلاب است و در اوج مبارزات کارگری با هدف هدایت و مدیریت و اعمال قدرت طبقاتی تشکیل می گردد و باید تحت رهبری مغز متفکر و ستاد فرماندهی واحدی یعنی حزب طبقه کارگر عمل کند، همان شوراهائی نیستند که آنها می خواهند با نیروی تخیل و آرزوی خود در شرایطی که جنبش کارگری هنوز در شرایط تدافعی قرار دارد به وجود آورند. شوراها ارگان‌های قدرت سیاسی هستند و ایفای نقش اساسی آنها در عرصه سیاست است و نه در عرصه اقتصاد. وجود شوراهای کارگری که تنها کارگرانی را در بر می گیرد که از سطح معینی از آگاهی طبقاتی برخوردار بوده و آمادگی توسل به اعمال قهر انقلابی برای کسب قدرت سیاسی را دارند مغایرتی با وجود و تلاش سندیکاهای کارگری در قبل و بعد از انقلاب سوسیالیستی نداشته و نخواهد داشت.

جنبش کارگری باید صفوف خویش را از افکار مغشوش پاکیزه کند و تلاش کند که دامنه سندیکاها و اتحادیه‌های خود را توسعه دهد و نگذارد که دفاع از حقوق صنفی - اجتماعی که وظیفه اصلی آنهاست با مسئله کسب قدرت سیاسی که وظیفه رهبری حزب سیاسی طبقه کارگر است درهم ریخته شود.

بدون کوچک ترین تردید رژیم منحوس و مرتجع سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به زباله دان تاریخ خواهد پیوست. مهم تحقق کامل اهداف و آمل و آرزوهای توده‌های زحمتکش و آزادیخواه مبارزی است که طی صد ساله اخیر از انقلاب مشروطه و جنبش ملی شدن صنعت نفت گرفته تا انقلاب بهمن ۵۷ برای آن اهداف مبارزه کرده‌اند. این مبارزه تنها با ایفای نقش اصلی و قاطع و تعیین کننده طبقه کارگر متحد، متشکل و سازمانیافته و رهبری حزب سیاسی او به ثمر خواهد رسید.

حزب ما از خواست‌های اقتصادی طبقه کارگر ایران برای ایجاد یک تشکل مستقل سندیکائی در مقابل تشکل‌های دولتی شوراهای اسلامی حمایت می کند. حزب ما بر آن است که اتحادیه‌های کارگری مکتب آموزش طبقه کارگر است تا به قدرت خویش پی برد و روحیه همبستگی را در میان خویش تقویت نماید. شرط پیروزی طبقه کارگر در هر عرصه از مبارزه، همبستگی و اتحاد وی است. »

[برگرفته از قطعه‌نامه کنگره چهارم حزب کار ایران (توفان)]

زنده باد سوسیالیسم، این پرچم نجات بشریت
حزب عالی ترین شکل تشکیلات طبقاتی پرولتاریا است (لنین)

سرکوب خونین جنبش دمکراتیک بحرین و ریاکاری غرب

اشغال نظامی بحرین که توسط نیروهای ارتجاعی عربستان سعودی و امارات متحده عربی و تحت فرماندهی امپریالیست آمریکا و سرکوب وحشیانه جنبش از ادیخواهانه و استقلال طلبانه مردم صورت گرفت، بازتاب چندانی در رسانه‌ها و مطبوعات غرب نداشته است. در عوض تا دلتان بخواهد اخبار و گزارشات جعلی و اغوا کننده در مورد لیبی و سرهنگ قذافی و شورشیان مخالف را در توجیه بمباران جنایتکارانه و تجاوز به این کشور در رسانه‌های عمومی مشاهده می کنید. این رسانه‌ها که مدعی آزادی‌های بی قید و شرطند در مورد کشتار مردم بحرین سکوت مرگ کرده‌اند. اما برای مردم لیبی چه اشک‌ها که نمی ریزند و برای استقرار حقوق بشر و دمکراسی در طرابلس چه دروغ‌ها که نمی گویند. این افسانه سرائی‌های حقوق بشری اما همان قدر مضمون حقوق بشری دارند که در تجاوز به افغانستان و عراق داشته‌اند. آیا کسی جز مزدوران امپریالیست و فریب خوردگان سیاسی به این ماشین تبلیغات مغز شوئی باور دارد؟

مصاحبه کوتاه زیر با سلمان یکی از افراد اپوزیسیون جنبش دمکراتیک بحرین در مورد اوضاع سیاسی و حقایق جاری در این کشور از این نظر حائز اهمیت است که در فضای سکوت و سانسور، گوشه‌ای از مبارزات و مطالبات مردم و درعین حال دورویی‌ها و ریاکاری‌های دول امپریالیستی عیان می گردد. وی با بیان ساده به افشای حقایق پشت پرده تجاوز نظامی به بحرین و سرکوب خونین مردم می پردازد. این مصاحبه در هفته نامه پرولتر ارگان سیاسی حزب کمونیست سوئد شماره ۱۳ در ۶ آوریل منتشر شده که توسط یکی از خوانندگان گرامی توفان ترجمه و در اختیار هئیت تحریریه قرار داده است. سخنان سلمان در این مصاحبه بازتاب دهنده جنبش خود جوش و دموکراتیک و فاقد رهبری سیاسی بحرین است. وی در پایان از این شکایت دارد که غرب از جنبش دموکراتیک بحرین دفاع نکرده است و جنبش بر روی حمایت ممالک غربی حساب باز کرده بود که متأسفانه چنین نشد و این دموکراسی‌ها به آنها پشت کردند و خون‌سردانه از کنار این همه فجایع گذشتند. بیان همین نکته نشان دهنده این است: جنبشی که فاقد رهبری صحیح و بی سر باشد، بدون دورنما باشد، فاقد حزب سیاسی پرولتری باشد در مقابل دشمن متشکل، تا دندان مسلح و صاحب تشکیلات در هم خواهد شکست. توهم به کشورهای امپریالیستی و امید به آنها برای کسب آزادی، فاجعه بار است. همان طور که بارها تأکید کرده‌ایم فقط با اتکاء به نیروی خویش و با اتکاء به نیروی مردم و سازماندهی در کارخانه و کوچه و خیابان و پیوند مبارزه دموکراتیک با مبارزه ضد استعماری و ضد امپریالیستی است که می توان جنبش را از گزند خطرات رنگارنگ مصون نگه داشت و توطئه‌های ارتجاع را خنثی و به پیشروی ادامه داد. راه دیگری متصور نیست.

هئیت تحریریه

.....

قیام بحرین یک قیام صد درصد بحرینی است

س: در مورد قیام مردم علیه رژیم پادشاهی آل خلیفه شرح دهید.

ج: این جوانان بودند که پیش قدم شدند و فراخوان تظاهرات ۱۴ فوریه را صادر کردند. آنها جوانان بیکار و بسیاری از آنها نیز تحصیل کرده هستند. بیشتر آنها فاقد وابستگی سازمانی هستند اگر چه افراد سازمانی نیز در جنبش حضور دارند. خواست جنبش دموکراسی و بهبود شرایط زندگی است. همه چیز در کشور ما توسط خانواده شاه کنترل می شود. آنها که شاغلند دارای حقوق نازلی هستند و با این حقوق از پس مخارج زندگی بر نمی آیند.

س: پس از کمتر از یک ماه از جنبش عظیم اعتراضی در بحرین شاه متوسل به نیروی نظامی خارجی به رهبری عربستان سعودی شد. چه اتفاقی پس از ۱۳ مارس رخ داد؟

ج: قبل از هر چیز ما آنها را به عنوان یک قوای اشغالگر می بینیم. رژیم حق ندارد از تانک‌های خارجی علیه تظاهرات‌های مسالمت آمیز استفاده کند. سعودی‌ها مردم را در خیابان‌ها می کشند. در هفته گذشته زن پنجاه و یکساله‌ای توسط سعودی‌ها کشته شد. در کشور حکومت نظامی بر قرار است. در فضا صدای هلیکوپترهای آپاچی شنیده می شود و در خیابان‌ها نیروهای ویژه و پلیس مخفی حضور دارند. موجی از دستگیری‌های سیاسی به اجرا در آمد. خانه به خانه می روند، در نیمه‌های شب به اتاق خواب‌های مردم می روند و آنها را دستگیر و به زندان می اندازند.

س: گزارش شده است که ارتش در ۱۶ مارس بزرگ ترین بیمارستان بحرین را در کنترل خود گرفت. بیمارستان سلما نیا در منامه.

ج: بله، درست است. سلمانیا امروز یک پایگاه نظامی است. ۵ پزشک دستگیر شدند و یکی از آنها مستقیماً از همان اتاق عمل بازداشت شد. جرم آنها این است که آنها مجروحان جنبش اعتراضی را تحت معالجه قرار دادند. بسیاری از تظاهرات کنندگان در قسمت پا مورد اصابت گلوله قرار گرفتند و درخواست کمک کردند. ارتش وارد بیمارستان شد و شماری از مجروحین که در میانشان حتی ۵ تن تحت معالجه اضطراری نیز قرار داشتند، روبرو شده و به مکان نامعلومی برده شدند.

س: وزیر دفاع آمریکا روبرت گیتس دوزخ قبل از اشغال نظامی عربستان سعودی از بحرین دیدن کرد. شما این امر را چگونه می بینید؟

ج: ما بسیار ناراحتیم. آمریکا می گوید آنها لیبی را به خاطر دفاع از مردم غیرنظامی بمباران می کنند و در بحرین از ارتش حمایت می کنند تا به غیرنظامیان حمله کند. ناوگان پنجم آمریکا در بحرین مستقر است. تصورم این است که حضور نظامی آمریکا در بحرین مهم تر از دفاع از مردم بحرین است.

س: چرا شاهان دیکتاتور در خلیج و حامیان غربی شان از درخواست دموکراسی بحرینی ها می ترسند؟

ج: این شامل تمام منطقه می شود. عربستان سعودی برای غرب بسیار مهم است و رژیم عربستان سعودی دارای مشکلات خاص خود است. آنها امیدوارند که با سرکوب اعتراضات بحرین، مانع گسترش آن به دیگر مناطق خلیج گردند.

س: شاه بحرین و دیگر مقامات رسمی اعتراضات بحرین را به توطئه خارجی می چسبانند و انگشت اتهام را به سوی ایران شیعه و جنبش شیعه حزب الله لبنان نشانه می گیرند؟

ج: بله، رژیم این طور می گوید. اما من اطمینان می دهم که قیام بحرین یک قیام صد درصد بحرینی است. ما مخالف هرگونه دخالت و نفوذ خارجی هستیم. آنها که اعتراض می کنند فقط خواهان دموکراسی هستند و می خواهند مثل دیگران زندگی کنند.

س: به رغم حکومت نظامی اعتراضاتی در روز جمعه ۲۵ مارس برگزار شد. در مطبوعات سوئد هیچ گزارشی منتشر نگردید. در این مورد توضیح دهید.

ج: آنچه رخ داد، تظاهراتی بود در بسیاری از روستاها و شهرها که بعد از شهادت دونفر انجام گرفت. در طی همان روز یک نفر جان باخت و زنی نیز با اصابت گلوله بر سرش مجروح و هنوز در قید حیات است. قبل از تظاهرات جمعه آمار کشته شدگان طبق حزب اوپوزیسیون ال والک ۲۶ نفر بود و تعداد مفقودشدگان ۱۱۶ نفر. من فکر می کنم اکثر آنها کشته شدند.

س: چه اتفاقاتی را پیش بینی می کنید؟

ج: ما در بحرین بزرگ ترین تظاهرات در جهان را به نسبت جمعیت کشور داشته ایم. جنبش ما غیر مسلح است. ما آدم های معمولی غیر نظامی هستیم که اعتراض می کنیم. رژیم نمی تواند همه را بکشد. ولی ما روی حمایت جهان از جنبش خود حساب کرده بودیم. ما آمریکا، اروپا و کشورهای اسکاندیناوی را دموکراتیک می دانیم. این همه آدم جان باختند، این همه آدم دستگیر شدند، مردم در وحشت بسر می برند. چه اتفاق بیشتری باید رخ دهد؟

اعتصاب ۱۱ روزه ۱۵۰۰ کارگر مجتمع پتروشیمی با موفقیت به پایان رسید

"پرولتاریا بیش از نان به همت خویش،
به اعتماد بر نفس خویش، به سربندی
و استقلال فکری خویش، نیازمند است"
مارکس

اعتصاب ها و اعتراض های کارگران در شهرهای گوناگون ایران در سال های اخیر رو به افزایش گذاشته است. از جمله این شهرها می توان به قزوین، تبریز، تهران، قائمشهر، اراک، آبادان، کرمانشاه، رشت، اهواز، اصفهان و شیراز اشاره کرد. اعتصاب موفقیت آمیز ۱۱ روزه ۱۵۰۰ کارگر مجتمع پتروشیمی "بندر امام" همانند اعتصاب ۱۸۰۰ کارگر پتروشیمی تبریز در اسفند ماه با مطالبات مشابهی آغاز گردید و با پیروزی به پایان رسید. در مورد اعتصاب ۱۱ روزه کارگران پتروشیمی در تارنمای اتحادیه آزاد کارگران ایران چنین گزارش شد:

«کارگران اعتصابی پتروشیمی ماهشهر بعد از ۱۱ روز اعتصاب طی یک توافق کتبی با مدیریت شرکت قرار شد که در مدت ۳ ماه شرکت خواسته های کارگران را انجام بدهد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران پیمانکاری پتروشیمی بندر امام با تضمین تعلق برخی امتیازات کارگران رسمی به آنان و انعقاد قرارداد مستقیم در طول سه ماه آینده به اعتصاب خود پایان دادند.

بنا بر این گزارش روز گذشته سی فروردین ماه ۱۳۹۰، مدیریت پتروشیمی آغاز مذاکرات را به پایان تجمع در مقابل دفتر مرکزی شرکت از سوی کارگران مشروط کرد. این شرط از سوی کارگران اعتصابی مورد مخالفت قرار گرفت و نهایتاً در ساعت ۱۳/۳۰ ظهر در حالی که تجمع کارگران ادامه داشت، مدیریت پتروشیمی ناچار شد با نماینده‌های کارگران بر سر میز مذاکره بنشیند. این جلسه که با حضور نماینده ماهشهر، فرماندار، رئیس اداره کار و چندین تن از پرسنل امور اداری پتروشیمی بندر امام و نمایندگان کارگران برگزار شد در ساعت ۱۵/۳۰ به پایان رسید و توافقات کتبی نماینده‌های کارگران با مدیریت پتروشیمی که به امضای نماینده‌های کارگران، مدیریت پتروشیمی، فرماندار، نماینده ماهشهر و دیگر شرکت کنندگان در جلسه رسیده بود از سوی ظریف کار مدیر عامل پتروشیمی در تجمع کارگران قرائت شد و با پذیرش آن از سوی کارگران، آنان از صبح روز چهارشنبه و پس از ۱۱ روز اعتصاب متحدانه بر سر کارهای خود بازگشتند.

متن توافقات کتبی کارگران پیمانکاری پتروشیمی بندر امام با مدیریت این مجتمع به شرح زیر است:

- ۱- مدیریت پتروشیمی از کارگران ۳ ماه مهلت گرفت تا در طول این مدت کلیه مراحل اجرای مصوبه برچیده شدن شرکت‌های پیمانکاری و طی مراحل اداری آن را در پتروشیمی بندرامام و وزارت نفت را به انجام برساند. اجرای این بند را در طول سه ماه ظریفکار مدیر عامل پتروشیمی و نماینده مردم ماهشهر در مجلس ضمانت کردند.
- ۲- قرار شد ۲۵ نفر نماینده منتخب کارگران با مدیران عامل مجتمع‌های مربوطه خود وارد مذاکره شوند تا از ۳۷ آیتم مزایایی که به پرسنل رسمی داده می‌شود، آن آیت‌هایی که در توان مجتمع پتروشیمی بندرامام هست همزمان با پرسنل رسمی به کارگران پیمانکاری نیز پرداخت شود.
- ۳- مدیر عامل پتروشیمی متعهد شد تا زمان اجرای مصوبه برچیده شدن شرکت‌های پیمانکاری، مسئله پرداخت مستقیم بیمه و مالیات کارگران از سوی پتروشیمی به این شرکت‌ها ابلاغ شود و پس از پرداخت مستقیم آن توسط پتروشیمی مبالغ آن از صورت وضعیت پیمانکار کسر شود تا هیچ‌گونه تقلبی از این لحاظ توسط شرکت‌های پیمانکاری انجام نگیرد.
- ۴- آقای ظریفکار و نماینده ماهشهر متعهد و تضمین نمودند شرکت‌های پیمانکار در قبال ایام اعتصاب کارگران به هیچ وجه حق ندارند: ۱- به هیچیک از کارگران فشاری وارد کنند و حق اخراج هیچ کارگری را ندارند ۲- حقوق تمام روزهای ایام اعتصاب به شکل تمام و کمال و بدون هیچگونه کم و کسری به کارگران پرداخت شود. در صورت مشاهده تخلف از این توافق، مدیریت پتروشیمی ملزم به برخورد با شرکت متخلف شده است. «

بی تردید پیروزی کارگران پتروشیمی در این مبارزه مشخص صنفی نشاندهنده آن است که هرگاه کارگران با قاطعیت، یکپارچه و مصمم پا به میدان می‌گذارند سرانجام اراده خود را بر کارفرمایان تحمیل خواهند کرد. کارگران مجتمع پتروشیمی پس از یازده روز به اعتصاب خود پایان دادند. نتیجه اقتصادی اعتصاب کارگران پتروشیمی هرچه باشد از لحاظ سیاسی برای رشد آگاهی و تشکل کارگران - نه فقط کارگران - بلکه همه مردم ایران نتایج بزرگ به بار خواهد آورد. همان طور که مارکس می‌گوید: " پرولتاریا بیش از نان به همت خویش، به اعتماد بر نفس خویش، به سربلندی و استقلال فکری خویش، نیازمند است" و این خصوصیات، طبقه کارگر را به مبارزات قاطع تر و پیروزی‌های عظیم تر رهنمون خواهد کرد. رشد جنبش کارگری که ما در طول سال‌های اخیر شاهد آنیم نیروی بی سابقه‌ای به مبارزات مردم بر ضد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی خواهد بخشید و رهبری ظفر بخش آنها را تأمین خواهد کرد. رمز موفقیت کارگران وحدت و تشکیلات است. کارگران تنها با اتحاد و تشکیلات و سرانجام تحت رهبری حزب مارکسیستی لنینیستی است که می‌توانند سرمایه‌داری را به زیر کشند و خود به صاحبان واقعی جامعه تبدیل شوند. هر پیروزی ولو کوچک، گام مهمی برای دست یافتن به پیروزی‌های بزرگ تر است.

اغلامیه در همبستگی با اعتصاب کارگران پتروشیمی

از خواست بر حق کارگران شرکت‌های پیمانکاری منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر حمایت می‌کنیم

سندی‌کای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با حمایت از اعتصاب بر حق این کارگران خواهان تحقق فوری خواست‌های آنان و بر چیده شدن قراردادهای موقت و سفید امضا و شرکت‌های پیمانکاری در همه مراکز صنعتی و تولیدی و خدماتی و انعقاد قرارداد مستقیم و دسته جمعی کارگران با کارفرمایان است.

هزاران کارگر شرکت‌های پیمانکاری مجتمع‌های پتروشیمی منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر بر اساس مصوبه سال ۱۳۸۴ هیئت وزیران خواهان برچیده شدن شرکت‌های پیمانکاری و انعقاد قرارداد مستقیم و دسته جمعی هستند و به دلیل عدم اجرای این مصوبه دست به اعتصاب زده‌اند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
فروردین ماه ۱۳۹۰

نامه اعتراضی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به سازمان جهانی کار

به: سازمان جهانی کار
از: سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه
موضوع: تکذیب ادعای نماینده دولت ایران مبنی بر اشتغال به کار کارگران اخراجی نیشکر هفت تپه و اعتراض به اخراج و تعقیب قضائی این کارگران

اخیراً شنیده‌ایم که نماینده ایران در اجلاس سازمان جهانی کار (آقای حبیب توکلزاده مدیر امور بین‌الملل وزارت کار ایران) ادعا نموده است که کارگران اخراجی نیشکر هفت تپه و اعضای سندیکای کارگران این شرکت هیچ گونه مشکلی ندارند و مشغول به کار شده‌اند.

کارگران اخراجی نیشکر هفت تپه تا کنون علاوه بر تحمل حبس و تحمل فشارهای امنیتی و روانی و اقتصادی بسیار، از حدود دو سال پیش تا کنون از کار اخراج شده‌اند. برخلاف ادعای نماینده ایران در اجلاس آن سازمان، تا کنون تمامی مراحل قانونی را برای اعتراض به اخراجمان طی کرده‌ایم، طی دو مرحله به اداره کار (نماینده وزارت کار در شهرستان شوش) شکایت برده‌ایم. حتی به دیوان عدالت اداری نیز شکایتی تسلیم شده است که عیناً همان حکم اخراج غیر قانونی، ضد کارگری و غیر انسانی اخراج ما را تأیید نموده است.

جدیداً بعد از این که فهمیده‌اند ما از نظر اقتصادی و دریافت نکردن حقوق به مدت حدود ۲ سال تحت فشار فراوان بوده‌ایم و خانواده‌هایمان زیر شدیدترین فشارهای معیشتی به زندگی دشوار خود ادامه می‌دهند و برای سو استفاده از این وضعیت ما، نامه‌ای به ما ابلاغ کرده‌اند که به شرکت نیشکر هفت تپه مراجعه نموده و تسویه حساب کامل کنیم و بعد از آن ممکن است در قالب قرارداد موقت کاری و مانند یک کارگر بدون سابقه قبلی و تازه وارد با ما انعقاد قرارداد کنند. مستحضرید که این ترفند به هدف قطع رابطه کاری ما با نیشکر هفت تپه و منتفی کردن هر گونه ادعای ما در قبال سابقه کار و رابطه کاریمان در آن شرکت است. بدین وسیله می‌خواهیم ما به دست خودمان رابطه کاریمان را با شرکت نیشکر هفت تپه قطع کنیم و پس از آن نتوانیم هیچگونه ارتباط، ادعا و یا حق نمایندگی و یا فعالیت کارگری داشته باشیم.

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن این که قویاً ادعای نماینده دولت ایران را رد می‌کند، خواستار بازگشت به کار نمایندگان اخراجی کارگران نیشکر هفت تپه در سندیکای آنان (آقایان علی نجاتی، فریدون نیکوفرد، قربان علیپور، محمد حیدری مهر، جلیل احمدی و رضا رخشان که همگی اعضای هیئت مدیره سندیکا هستند) و نیز دیگر، کارگر اخراجی بهروز نیکوفرد می‌باشد. این سندیکا از تمامی مقامات مسئول در سازمان جهانی کار، نهادهای کارگری و حقوق بشری و رسانه‌ها درخواست می‌کند نسبت به اطلاع رسانی، هر اقدام ممکن برای اعتراض و فشار به دولت ایران برای بازگشت به کار کارگران نامبرده و پایان دادن به اخراج، تعقیب قضائی و حبس تمامی کارگران و فعالین کارگری و به رسمیت شناختن حق آزادی تشکل‌های خودساخته کارگری اقدام نماید. ما تنها به دلیل استفاده از حق اولیه مان، ایجاد تشکل مستقل کارگری، تحت فشار، اخراج و حبس قرار می‌گیریم و لازم است دولت ایران هر چه زودتر به این اقدامات خود پایان دهد.

با احترام
سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه
28 فروردین ماه ۱۳۹۰

رونوشت:

نهادهای و تشکل‌های کارگری، رسانه‌ها و نهادهای حقوق بشری

زنده باد ماکسیسم لنینیسم

اطلاعیه حزب کار ایران (توفان) در مورد حمله به اردوگاه اشرف در عراق

حمله وحشیانه به اردوگاه اشرف در عراق را محکوم می کنیم!

طبق اطلاعیه‌های سازمان مجاهدین و شورای ملی مقاومت، بامداد جمعه، ۱۹ فروردین ماه نیروهای دست نشانده عراقی به اردوگاه اشرف یورش بردند که در اثر آن ۳۱ نفر کشته و بیش از ۳۰۰ تن مجروح شدند.

بعد از اشغال عراق توسط امپریالیست آمریکا و خلع سلاح سازمان مجاهدین بارها پناهندگان ساکن اردوگاه اشرف واقع در ۸۰ کیلومتری بغداد، برخلاف تمامی موازین و تعهدات بین‌المللی مورد ضرب و شتم و قتل و جنایت دولت گماشته عراق قرار گرفته‌اند. متأسفانه سرنوشت سازمان مجاهدین و اعضاء آن در عراق با منافع امپریالیست آمریکا در منطقه و تضاد آن با رژیم جمهوری اسلامی گره خورده است و این حملات وحشیانه به اردوگاه اشرف نمی‌تواند بدون چراغ سبز آمریکا و خواست و تمایل وی صورت گرفته باشد. برای آمریکا سازمان مجاهدین در عراق ابزار فشاری بر جمهوری اسلامی و کسب امتیازات سیاسی در مذاکرات آینده است و مواضع متناقض آن در قبال این سازمان را باید در همین کادر مورد بررسی قرارداد. امپریالیست آمریکا که با اشغال عراق و افغانستان میلیون‌ها نفر را به قتل رسانده است نمی‌تواند حامی دموکراسی و حقوق بشر و نگران جان ساکنین اردوگاه اشرف باشد. از این رو هرگونه چشم‌پوشی به این ابرقدرت امپریالیستی و هر ارتجاع دیگر در منطقه در پیکار علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بیراهه است و فرجامی جز شکست نخواهد داشت.

حزب ما ضمن محکوم کردن این کشتار جنایتکارانه از حقوق انسانی و پناهندگی ساکنین اردوگاه اشرف دفاع می‌کند و از تمامی سازمان‌های بین‌المللی و حقوق پناهندگی می‌خواهد که اقدامات جنایتکارانه دولت عراق را محکوم و به یاری پناهندگان این اردوگاه بشتابند.

حزب ما هرگونه زد و بند سیاسی در مورد سازمان مجاهدین خلق و تحویل احتمالی اعضاء آن به رژیم قتل و شکنجه جمهوری اسلامی را محکوم می‌کند و از کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل می‌خواهد قبل از وقوع فاجعه‌ای بزرگ تر سریعاً اقدام نمایند و مسئولیت کمپ اشرف را خود راساً به عهده گیرند.

**سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی!
زنده باد سوسیالیسم این پرچم رهائی بشریت!
دست امپریالیست‌ها از ایران و منطقه کوتاه باد!**

حزب کار ایران (توفان)

۱۹ فروردین ماه ۱۳۹۰

www.toufan.org

toufan@toufan.org



کشتار مردم فلسطین در غزه ادامه دارد

در روزهای اخیر مجدداً شیپور تبلیغات حامیان رژیم اشغالگر و صهیونیست اسرائیل به صدا درآمد و از خشونت و عملیات تروریستی فلسطینی‌ها علیه غیر نظامیان اسرائیلی سخن می‌گویند.

لیکن آن چه کمرنگ نشان داده می‌شود کشتار روزانه مردم فلسطین و تجاوز و خونریزی و نقض حقوق بشر توسط ارتش متجاوز اسرائیل است که بدون هیچ‌وقعی به موازین و قطعنامه‌های سازمان ملل و اعتراض جهانیان به شدت ادامه دارد. ارتش اسرائیل

در ۷ آوریل ۲۰۱۱ در تلافی به پرتاب موشکی توسط جنبش مقاومت فلسطین که منجر به مجروح شدن یک نوجوان اسرائیلی در مناطق اشغالی گردید، نوار غزه را چهار شبانه روزه طور وحشیانه بمباران کرد که طبق گزارشات رسمی بیش از ۱۹ نفر کشته و دهها تن مجروح شدند. این عملیات بربرمنشانه که در سایه سکوت رسانه‌های امپریالیستی صورت گرفته وحشیانه ترین بمباران در طی دو سال گذشته بوده است. طبق گزارش سازمان ملل در خلال ۱۴ روز (از ۱۶- ۲۹ مارس) ۱۴ نفر فلسطینی توسط ارتش متجاوز اسرائیل به قتل رسیدند، به عبارت دیگر هر روز یک فلسطینی جان باخته است. در همین مدت ۵۲ فلسطینی مجروح و ۴۰ تن از آنها مردم غیرنظامی بودند. رژیم صهیونیست اسرائیل در توجیه بمباران مردم بی‌دفاع فلسطین موزیانه به مجروح شدن یک نوجوان اسرائیلی توسط موشک‌های جنبش مقاومت اشاره می‌کند و این اقدام فاشیستی را سیاستی "در دفاع از خود" پاسخ می‌دهد. رژیم متجاوز و اشغالگر که به مدت ۶۰ سال سرزمین فلسطین را تحت اشغال خود دارد، عملیات ضد انسانی‌اش علیه فلسطینی‌ها را بیش‌رمانه دفاع از خود تبلیغ می‌کند و در سایه حمایت بی‌بدیل و همه جانبه امپریالیست آمریکا به قدری و اقدامات تروریستی‌اش ادامه می‌دهد. این در حالیست که طبق بند ۵۱ منشور سازمان ملل متحد، هر ملت تحت اشغالی از جمله فلسطینی‌ها حق دارند با توسل به هر وسیله‌ای به عنوان یک ملت تحت اشغال از سرزمینش به دفاع برخیزد و متجاوزین آدمخوار و فاشیست را تار و مار کند. از این رو مبارزه ملت فلسطین مبارزه‌ای عادلانه و مشروع و در دفاع از خود است. مسئولیت مجروح شدن یک نوجوان اسرائیلی به گردن مسئولان دولت متجاوز و اشغالگر اسرائیل است و نه ملت فلسطین.

پرتاب موشک فلسطینی‌ها قبل از این که دارای اهمیت نظامی باشد یک اقدام سمبلیک و فریاد دادخواهی ملتی است که به مدت ۶۰ سال از خانه و کاشانه‌اش رانده شده و هر روز تحت شکنجه و ترور و تشنگی و گرسنگی قرار دارد. این موشک‌ها فریاد زنده بودن ملت فلسطین و اعتراض به گستاخی و فاشیسم اسرائیل "دمکراتیک" و سکوت بیش‌رمانه جهان "آزاد و متمدن" است. مبارزه ملت فلسطین مشروع و عادلانه است، مبارزه‌ای است برای موجودیت فیزیکی و حفظ هویت ملی و انسانی. لذا، کسی به هر دلیلی از همبستگی و دفاع از این مبارزه رهایی بخش سرباز زند یا نوکر استعمار و امپریالیسم است یا انسانی فاقد وجدان انسانی. جز این نیز نمی‌تواند باشد.

مرگ برمتجاوزین صهیونیست اسرائیل!
زنده باد نبرد استقلال طلبانه ملت فلسطین!
زنده باد همبستگی بین‌المللی!

سخن هفته

نقل از: فیسبوک توفان

آوریل ۲۰۱۱

نامه‌ای از هیئت تحریریه "ستاره خلق"، ارگان مرکزی حزب کمونیست ژاپن (چپ) گزارشی در مورد حوادث تلخ اخیر

خوانندگان عزیز توفان در زیر نظر رفقای ژاپنی را در مورد نیروگاه‌های اتمی در ژاپن و وابستگی آن به امپریالیست آمریکا و مقاصد سوئی که بورژوازی ژاپن از آنها در سر می‌پروراند ملاحظه می‌کنید. ما این مقاله را برای گسترش اطلاعات خوانندگان خود توزیع می‌کنیم.

هیئت تحریریه

رفقای گرامی،

علاقه مندی که گزارش کوتاهی را از حادثه اتمی در نیروگاه شماره ۱ فوکوشیما ارائه دهیم. حادثه در نیروگاه شماره ۱ کمپانی تولید برق توکیو (Tepco) به مرحله حساسی رسیده است. دستگاه‌های خنک کننده راکتورها تماماً از کار افتاده‌اند. میله‌های سوخت در مرکز راکتورها در حال ذوب شدن هستند و نیروگاه هرچه بیشتر به مرحله انفجار نزدیک می‌شود.

ساختمان‌هایی که راکتورها را احاطه می‌کنند در اثر انفجار هیدروژنی کاملاً نابود شده‌اند. میزان تشعشعات رادیو اکتیو در نزدیکی نیروگاه در سطح بسیار بالائی است و به بیش از ۴۰۰ میلی سیورت در ساعت رسیده است و کسی نمی‌تواند به نیروگاه نزدیک شود.

تعداد ۶ راکتور در نیروگاه شماره ۱ فوکوشیما در سواحل اقیانوس آرام ساخته شده‌اند. راکتورهای شماره ۱ و ۲ و ۳ و ۴ در نزدیکی هم و به طور متصل ساخته شده‌اند. همه دستگاه‌های خنک کننده منجمله دستگاه‌های اضطراری در این ۴ راکتور اتمی از کار افتاده‌اند. به دلیل افت سطح آب و عدم پوشیدگی، میله‌های سوخت هسته‌ای در راکتورهای ۱ و ۲ و ۳ در حال ذوب شدن هستند. علاوه بر این، در بدنه حفاظتی راکتور شماره ۲ حفره‌ای ایجاد شده است.

کمپانی برق توکیو تصمیم داشت که مقداری زیادی آب بر روی راکتورها بریزد ولی به خاطر فشار زیاد داخل راکتورها پاشیدن آب بر روی آنها زیاد مؤثر واقع نمی شد و کمپانی مجبور شد مقداری زیادی از گاز داخل راکتورها را تخلیه کند که در نتیجه آن مواد رادیو اکتیو با غنای بالا به فضای بیرون راه یافته اند.

در راکتور شماره ۴ که در زمان وقوع زلزله مورد بازرسی دوره ای قرار داشت بازرسان میله های سوخت را از راکتور بیرون آورده و آنها را در مخزن سرد کننده در ساختمان حفاظتی راکتور قرار داده بودند. همچنین، یک میله سوخت به کار برده شده در حوضچه سرد کننده راکتور شماره ۳ قرار داشت. در این راکتور، اکسید مخلوط پلوتونیوم و اورانیوم به کار برده می شد. به دلیل آن که آب حوضچه خنک کننده بخار می شود و ساختمان حفاظتی راکتور تخریب شده است خطر آن که لوله های موقت بدون پوشش بمانند و تشعشعات اتمی به بیرون درز کنند افزایش یافته است.

هم اکنون، کارکنان کمپانی برق و کمپانی های وابسته به همراه نیروی حفاظتی عمومی ژاپن عملیات خنک سازی راکتورها را به وسیله ریختن آب با هلیکوپتر و کامیون های آب پاش بر روی آنها به عهده گرفته اند. با توجه به این داده ها، راکتورهای شماره ۱ و ۲ و ۳ و ۴ نیروگاه شماره ۱ برق هسته ای فوکوشیما در شرایط بسیار بحرانی بسر می برند.

تعدادی از ساکنان منطقه نزدیک به حادثه به مواد رادیو اکتیو آلوده شده اند. به ساکنان منطقه ۲۰ کیلومتری اطراف نیروگاه دستور تخلیه داده شده و از ساکنان ۳۰-۲۰ کیلومتری حادثه خواسته شده است که از خانه های خود خارج نشوند. کارکنان نیروگاه هسته ای و تعدادی از افراد نیروی تدافعی ژاپن هم به مواد رادیو اکتیو آلوده شده اند و گفته می شود که سطح آلودگی آنها پائین است. اخبار در مورد افراد با آلودگی پائین گزارش شده ولی اخبار در مورد آلودگی های بالا گزارش نمی شوند و با عنوان جراحات نامعلوم درز گرفته می شوند.

میزان تشعشعات اتمی اطراف نیروگاه هر روز افزایش یافته و مواد سزیوم و یود به آب آشامیدنی شهر نفوذ پیدا کرده اند. دولت ژاپن سیاست عدم شفافیت و پنهان نگه داشتن وضعیت این حادثه بسیار جدی از مردم را اتخاذ کرده است. حتی اگر انفجار هیدروژنی در نیروگاه هسته ای اتفاق افتاده باشد و ساختمان های حفاظتی به کلی تخریب شده باشند رئیس کابینه دولت ژاپن و اخبار تلویزیونی گزارش می دهند که "صدائی از پوشش حفاظتی راکتورها شنیده شده است" و "مقداری مواد رادیو اکتیو به بیرون درز کرده اند ولی میزان آن در سطح خطرناکی برای انسان نیست"

اما در حقیقت، شرایط مرتباً بدتر می شوند و دولت پس از آن که دیگر نمی تواند پنهان کاری کند آن را به اطلاع مردم می رساند.

رفتار دولت ژاپن به طور مستقیم منتج از سیاست دولت ژاپن در مورد نیروگاه های هسته ای است. دولت ژاپن سعی دارد که حادثه فوکوشیما را کوچک جلوه دهد تا بتواند سیاست خود در مورد گسترش نیروگاه های هسته ای را تبلیغ کند. دولت ژاپن سیاست امپریالیست آمریکا را تعقیب می کند. اساس تکنولوژی هسته ای در ژاپن تحت کنترل کمپانی های انحصاری مانند جنرال الکتریک و وستینگ هاوس قرار داشته و ژاپن جز تکیه بر این کمپانی های انحصاری توانی ندارد. ژاپن مجبور است که برای غنی سازی اورانیوم به آمریکا وابسته باشد. این امپریالیست آمریکا است که نقش حاکمیت بر روی انرژی هسته ای ژاپن را دارد.

دولت ژاپن سیاست جاری انرژی هسته ای خود را ادامه خواهد داد و ممکن است که تغییرات کوچکی در جهت مقاوم تر سازی راکتور در مقابل وقوع زلزله در مقررات اجازه ساخت نیروگاه های هسته ای جدید به وجود آورد ولی نظر خود در مورد سیاست هسته ای را تغییر نمی دهد. پس از جنگ جهانی دوم، بورژوازی انحصاری ژاپن تحت انقیاد امپریالیست آمریکا در آمد. دلیل آن که دولت ژاپن به سیاست انرژی هسته ای خود ادامه می دهد همانا پیروی از سیاست هسته ای و سیاست تولید انرژی آمریکا است. بورژوازی انحصاری ژاپن خواهان تسلیحات هسته ای است ولی امپریالیست آمریکا مخالف آن است که ژاپن تسلیحات هسته ای داشته باشد. دولت ژاپن برای ایجاد امکان برای تسلیح خود به بمب هسته ای در هر لحظه ای فعالانه سیاست انرژی هسته ای خود را تبلیغ می کند.

مردم بسیاری در ژاپن می گویند که:

« زلزله و سونامی حوادث طبیعی هستند ولی حادثه اتمی در نیروگاه ها حوادثی دست ساخت انسان است. »

ژاپن کشوری زلزله خیز است ولی دولت ژاپن سیاست ساخت بیشتر نیروگاه های اتمی را تبلیغ می کند. ساخت یک نیروگاه اتمی چندین میلیارد ین و معادل چند میلیارد دلار هزینه دارد و سرمایه داری انحصاری ژاپن پول هنگفتی در ساخت این نیروگاه ها به جیب می زند.

ژاپن ساخت نیروگاه های هسته ای را به عنوان "سیاست ملی" معرفی کرده و دولت ژاپن با اختصاص بودجه زیادی از آن حمایت می کند. کمپانی های تولید برق در ژاپن می توانند با افزایش میزان تولید خود بودجه دولتی دریافت کنند.

حادثه اتمی فوکوشیما یک فاجعه دست ساخت انسان است. در حله اول، اگر ژاپن نیروگاه اتمی نمی ساخت این حادثه وحشتناک به وقوع نمی پیوست.

یک مهندس با وجدان که طراح راکتور اتمی است می گوید که ممکن نیست بتوان راکتور اتمی در ژاپن ساخت که توانایی مقاومت در مقابل زلزله را داشته باشد.

بنابراین، ما نباید نیروگاه اتمی در ژاپن بسازیم.

زلزله و سونامی حوادث طبیعی هستند اما در نظام سرمایه داری دامنه خرابی های ناشی از آنها گسترش می یابد. دلیل آن این است که سرمایه داری انحصاری و دولت ژاپن اقدامات مثبتی در جهت دفاع از زندگی مردم در مقابل حوادث طبیعی انجام نمی دهند. علاوه بر آن، زمانی که حادثه های بزرگ اتفاق می افتد دولت ژاپن دست به اقداماتی در جهت دفاع و حفظ سود سرمایه دار انحصاری می زند. زمین لرزه اخیر نمونه ای از آن است.

حزب کمونیست ژاپن که حزبی رویزیونیستی است و اسم "حزب کمونیست" را دزدیده است از دولت اوپاما و سرمایه‌داری انحصاری ژاپن تعریف و تمجید می‌کند. این حزب در ضربه زدن به جنبش ضد نیروگاه‌های هسته‌ای نقش دارد. کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری ژاپن (Rengo) که بزرگ‌ترین مجتمع سراسری اتحادیه‌های کارگری است نظر دولت در ساخت نیروگاه‌های هسته‌ای را تقویت می‌کند. اکثر احزاب چپ دیگر هم دچار فروپاشی شده‌اند و جنبش مؤثری را نمی‌توانند تشکیل دهند. بخشی از حزب سوسیالیست سابق به حزب دمکرات (حزب در قدرت) پیوسته است. حزب در قدرت تماماً از منافع امپریالیست آمریکا و بورژوازی انحصاری ژاپن دفاع می‌کند.

حزب کمونیست ژاپن (چپ) علیه امپریالیست آمریکا و بورژوازی انحصاری ضد ملی ژاپن که مخالف مردم و مبارزه‌اشان برای یک ژاپن مستقل و سوسیالیست است مبارزه می‌کنند. ما جنبش ضد تسلیحات اتمی و هیدروژنی و جنبش انحلال پایگاه‌های آمریکا در ژاپن و جنبش لغو "قرارداد امنیتی ژاپن-آمریکا" را به پیش می‌بریم. ما هم چنین علیه حذف مقررات و قوانین و اصلاحات ساختاری در تولید، و برای افزایش تولید، امنیت شغلی، و حمایت از معیشت مردم مبارزه می‌کنیم. ما فعالیت‌هایی را که در خدمت مردم باشند دنبال می‌کنیم.

با همبستگی برادرانه

حزب کمونیست ژاپن (چپ)

هیئت تحریریه "ستاره خلق"، ارگان مرکزی حزب کمونیست ژاپن (چپ).

« تاریخ کلیه جوامعی که تا کنون وجود داشته‌اند، جز تاریخ مبارزه طبقاتی نبوده است، به استثنای تاریخ جامعه بدوی. مرد آزاد و برده، اشراف و اعوام، ارباب و سرف، استاد کار و کارگر روزمزد، در یک کلام ستمگر و ستمکش، همواره در تضاد بوده‌اند و به نبردی لاینقطع، گاه نهان و گاه آشکار، مبارزه‌ای که هر بار یا به تحول انقلابی سازمان سراسر جامعه و یا به فناى مشترک طبقات متخاصم ختم می‌گردید، دست زده‌اند. »

مارکس و انگلس مانیفست حزب کمونیست

توفان شماره ۱۳۴ اردیبهشت ماه ۱۳۹۰
ارگان مرکزی حزب کار ایران منتشر شد.



رفقا، دوستان و یاران مبارز!

برای پیشبرد نبرد علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، علیه امپریالیسم جهانی، علیه رویزیونیسم و ضد انقلاب ترسکیسم و شبه ترسکیسم و تقویت جنبش کمونیستی ایران به حزب کارایران (توفان) کمک مالی کنید!

یارهای از انتشارات جدید توفان از سایت اینترنتی:

- * بر علیه عامیانه کردن شعار انتقاد از خود - استالین
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره چهاردهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره پانزدهم حزب کمونیست (ب) اتحاد شوروی
- * جنبه بین المللی انقلاب اکتبر - استالین
- * مارکسیسم و مسئله ملی - استالین
- * ترسکیسم، ضدانقلاب در پوشش - م. ج. اولژین
- * سخنرانی و نطق استالین به مناسبت شروع جنگ کبیر میهنی
- * مانیفست حزب کمونیست - مارکس و انگلس
- * امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری - لنین
- * توطئه بزرگ کتاب سوم
- * توطئه بزرگ کتاب چهارم

آدرس سایتها و وبلاگهای مرتبط با حزب

www.toufan.org

[/http://www.rahe.toufan.org](http://www.rahe.toufan.org)

[/http://www.kargaregah.blogspot.com](http://www.kargaregah.blogspot.com)

[/http://kanonezi.blogspot.com](http://kanonezi.blogspot.com)

[/http://rahetoufan67.blogspot.com](http://rahetoufan67.blogspot.com)

از توفان در فیس بوک و تویتر دیدن کنید.



زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری! مرگ بر سرمایه داری، فاشیسم، صهیونیسم و امپریالیسم!